

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ جنوری ۲۰۱۹

نقش استعمار و ارتجاع در نداشتن برق

سه شنبه- ۱۱ جدی ۱۳۹۷- کابل: در آستانه ختم دومین دهه ۲۱ یعنی بدون در نظر داشت سهم پیشینیان "ادیسون"، هرگاه قرار باشد اختراع برق را به نام "ادیسون" بپذیریم، حدود ۱۴۰ سال بعد از اختراع "گروپ های برقی" کابل یگانه پایتخت جهان است، که برق ندارد. نباید اشتباه کرد در اینجا من از "رفتن و قطع شدن" یکی دو ساعت برق صحبت نمی کنم از نداشتن برق به مفهوم واقعی کلمه آنهم برای مدت ۶ روز متوالی یاد می کنم. این که با نداشتن برق چه مشکلاتی را خانواده ها متحمل می شوند، چون تجربه فرد فرد ما باشندگان این گورستان تاریک است، به بحث نمی گیرم زیرا هر قدر بنویسم، باز هم کم خواهد بود، در عوض تلاش می ورزم به چرائی این مشکل توجه نمایم:

۱- به نظر من نخستین و اساسی ترین عامل نداشتن برق در پایان دهه دوم قرن ۲۱ در پایتخت کشور یعنی شهر کابل، مستعمره بودن و حالت اشغالی کشور می باشد. اشغال افغانستان به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء یعنی ما مردم افغانستان، یعنی ما باشندگان کابل حق و صلاحیت آن را نداریم تا راجع به چگونه زیستن خود، خود تصمیم بگیریم، اولویت های ما را معین سازیم، احتیاجات و ضرورت های اولی و ثانوی حیات کشور و شهر ما را فراهم سازیم، یعنی این اشغالگران اند که برای ما تصمیم می گیرند که چه بکنیم و چه نکنیم، چه داشته باشیم و چه نداشته باشیم، از اختراعات عصرخویش بهره ببریم و یا هم در قرن "فرنی علیه السلام" زندگی نمایم.

۲- برخاسته از علت اولی و اساسی، واضح است که در یک کشور اشغال شده، استعمار هیچ گاهی به کشور مستعمره این اجازه را نمی دهد تا در جهت ایجاد ساختار هائی برنامه ریزی نماید که کشور مستعمره را به طرف بی نیازی از استعمار سوق داده بنای جنبش های استقلال طلبانه در آن به وجود آید. همین اصل باعث می گردد تا کشور ما از ۴۰ سال بدین سو، هر روز بیشتر از روز قبل در گرداب وابستگی های گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیقتر فرو رود. نتیجه این وابستگی به استعمار آن است که به جای ایجاد پایه ها و اساسات لازم جهت تولید برق در داخل و رفع نیازمندی مردم در آن ساحه، به تولیدات بیرونی و واردات برق از این و یا آن کشور گره بخورد. استعمار از این طریق می کوشد، وابستگی مستعمرات را به خودش و اقمارش تداوم ببخشد.

۳- بدون آن که قصد توهین به تعدادی از همشهریان خود را داشته باشم و به اصطلاح طرف آنها "کلوخ دیوار"، اکثریت کسانی که فعلاً در کنار طبقات حاکمه بخشی از هیأت حاکمه کشور را تشکیل می دهند، از دو حالت خارج نیستند، یا جهادپست ها اند که هیچ نوع درک و تعلقی به زندگی شهری و نقش الکتریسته در انکشاف حیات اجتماعی

ندارند و یا هم دیسانت شده های اشغالگران اند که برای شان چیزی به نام خدمت به مردم و کشور نه تنها وجود ندارد بلکه داشتن چنان حسی را نمود و تبارزی از کمونیست بودن افراد می دانند.

۴- عامل دیگر فساد گسترده حاکم بر تمام ادارات دولت دست نشاندۀ من جمله وزارت آب و برق و "مؤسسۀ بریننا" می باشد. چنانچه یکی از نمونه های بارز این فساد، مفقود شدن ۳۰۰۰ میلیون دالر از سرمایۀ های این شرکت است که هیچ کسی حتا یادی هم از آن نمی کند.

هموطنان گرامی!

می توانید تصور کنید که "عبدالله عبدالمود" و "غنی احمدزی" که بالاترین مقامات در دو طیف یاد شده اند، چیزی راجع به مشکل من و تو که باندداشتن برق چگونه زندگانی می نمائیم احساسی داشته باشند؟ تا جایی که من می دانم به هیچ صورت آنها نمی توانند ما را درک نمایند که برما چه می گذرد.

هموطنان گرامی!

این را هم روشن و آشکارا باید بگویم تا زمانی که من و تو به آنها اجازه می دهیم تا برما حاکمیت نمایند، نباید به خود حق دهیم تا از آنها بخواهیم تا خدمتی برای ما انجام دهند زیرا آنها را ارتجاع و استعمار به قدرت نرسانیده تا به کشور و مردم خدمت نمایند، آنها را ارتجاع و استعمار آورده است، تا جیب های خودشان و منافع دراز مدت و تاریخی ارتجاع و استعمار را صیانت و پاسداری نمایند، که می نمایند؛ پس اگر می خواهید تغییری در زندگانی تان به وجود آرید می باید عزم تان را جهت سرنوشتی این حاکمیت و ابسته و غلام جزم نمائید و شجاعانه به میدان آئید.

سرکها ما را می طلبد!!